

## تاریخچه ایران شناسی در ژاپن



زهرا عابدینی

دانشجوی کارشناسی ارشد ایران شناسی  
دانشگاه گیلان

### چکیده:

سابقه ایران شناسی و به طور کلی مطالعات ایران پژوهی در ژاپن، به نیمه دوم قرن بیستم بازمی گردد. تحقیقات ژاپنی ها در زمینه ایران شناسی، برخلاف اروپاییان، جنبه تبلیغ دینی و یا جنبه استعماری نداشته است؛ هرچند ایران شناسی ژاپنی ها، پدیده ای جوان تلقی می شود؛ ولی در کوتاه مدت، پیشرفت های قابل ملاحظه ای داشته اند. ایران شناسی ژاپنی ها در روزگار خوش بینی رو به تزاید ایرانیان نسبت به ایران شناسی (غربیان) صورت گرفته، که هرچند آنان از تجارت چندین قرن اخیر در زمینه ایران شناسی بهره می برند اما در زمینه پیشرفت کار آنان می توان گفت مصداق طفلی را دارند که یک شبه ره صدساله پیموده است. ایران شناسی ژاپنی ها در همین مدت کوتاه نیز سخت پرتلاش و پرتکاپو بوده و پیشرفت های قابل ملاحظه ای نیز داشته است. باید توجه داشت که ایران شناسی ژاپنی ها با این واقعیت همراه بوده است که آنان تاکنون تحقیقات خود را با انتخاب مضامین مشخص و جزئی صورت علمی داده اند و از شبهه افکنی های عام درباره تاریخ و فرهنگ ایرانی به دور بوده اند. در واقع آنان در چارچوب شناخته شده جهان ایرانی تحقیق و پژوهش کرده اند. همچنین ژاپنی ها در ایران سابقه ای استعماری ندارند و این دو مسئله موجب شده تا ایران شناسی آنها توأم با پیچیدگی و معضلات آن چنانی که برای بعضی کشورهای غربی شاهد بوده ایم، نباشد.

### واژگان کلیدی:

تاریخ - ایران شناسی - ژاپن - تحقیقات

### مقدمه:

تحقیقات ژاپنی‌ها در زمینه ایران‌شناسی، برخلاف اروپاییان جنبه تبلیغ دینی و یا جنبه استعماری نداشته و حتی در پاره‌ای از مواقع، سعی کرده‌اند ارتباط فرهنگی بین دو امپراتوری ساسانی در ایران و آسوکا در ژاپن در قرن هفتم میلادی را ثابت کنند. اما مهم‌ترین زمینه ایران‌شناسی در ژاپن، به انقلاب مشروطه بازمی‌گردد. نگاه محققین ژاپنی به ایران از همین منظر است. بعد از انقلاب اسلامی، نگرش ژاپنی‌ها به ایران تغییر جهت داد و از مسائل اقتصادی و سیاسی به مسائل هنری و اجتماعی منعطف شد. این نکته قابل بیان است که با توجه به مطالعاتی که ژاپنی‌ها در ایران داشته‌اند و با توجه به حضور آنها و پژوهش‌ها و ترجمه‌هایی که از آثار ایرانی داشته‌اند، می‌توان این نتیجه را گرفت که ژاپنی‌ها برخلاف آمریکا و کشورهای اروپایی که ایران‌شناسی آنها جنبه استعماری داشته، چنین سابقه‌ای ندارند. اما سؤالی که در اینجا می‌توان طرح کرد این است که در حالی که شرق‌شناسی و به تبع آن ایران‌شناسی در دست غربیان بوده، شرق‌شناسی در یک کشور شرقی، مثل ژاپن، چه ویژگی‌هایی دارد؟

واقعاً نمی‌توان گفت که ژاپنی‌ها سبک خاصی را در این زمینه داشته‌اند، بلکه فقط می‌توان به رویکردهای تحقیقی آنها توجه کرد. از آنجا که ژاپنی‌ها نیاز به نفت خاورمیانه داشته‌اند و مرتبط با بازارهای تجاری و صنعتی ایران بودند، به‌عنوان یک مجموعه کلی به خاورمیانه نگاه می‌کردند. این نکته قابل بررسی است که شاید خود ژاپنی‌ها با مطالعه و تحقیق بر روی جاده ابریشم، با مطالعات ایرانی مرتبط شده‌اند و به اهمیت ایران پی برده‌اند.

### نگاهی به تاریخ و زمینه ایران‌شناسی در ژاپن

#### ایرانیان و تمدن ایرانی در ژاپن

ژاپنی‌ها در قرون میانه ایران را پو-سی PO-si (پارس) می‌گفتند، و عربستان را تا-سی Ta-si (تازی) می‌نامیدند. در آمدن ایرانیان به ژاپن گفته می‌شود که استادکارانی که برای ساختن معبد آسوکا Asuka به ژاپن آمدند، ایرانی بودند؛ همچنین، تندیس‌های گوناگون در آسوکا و شماری از آیین‌های بازمانده در این ناحیه و معابد آن، نشان از ایران دارد و همگونی این بناها و آیین‌ها را با بناهای ایران و سنت زرتشتی می‌رساند. این نظریه هم وجود دارد که پس از سرنگون شدن دستگاه ساسانیان، شاهزادگان و بزرگان این دولت به سوی خاور گریختند و شماری از آنها به ژاپن آمدند.

در میان پژوهندگان ژاپنی، به‌ویژه گیکیو ایتو Gikkio Ito، نویسنده فقید سی‌ایچو ماتسوموتو Seicho Matsumoto، و استاد نه‌ایچی ایموتو Eichi Imoto کوشیده‌اند تا نشانه‌های آمدن ایرانیان به ژاپن و تأثیر تمدن و فرهنگ ایران بر آسوکا (مرکز فرهنگی ژاپن در سده هفتم میلادی) را پیدا کنند. نیهونگی Nihongi، نخستین تاریخنامه ژاپن که در آغاز سده هشتم میلادی فراهم آمده و روایت رویدادها تا سال ۶۹۷ میلادی است، از آمدن مردمی از تخارا در سال ۶۵۴ میلادی در دوره امپراتور کۆتوکو Kotoku یاد کرده است. استاد ایموتو سال‌ها بر این عقیده استوار بود که شماری از ایرانیان و نمونه‌هایی از آثار تمدن و فرهنگ ایران دیرزمانی پیش به ژاپن آمده است.

ژاپنی‌ها شیفته صنایع دستی زیبای ایران از قبیل کوزه‌گری، صنایع فلزی و چوبی، ظروف شیشه‌ای، زری‌دوزی، قالی‌بافی و مینیاتور هستند. ایرانی‌ها سهم بسیار بااهمیتی در تاریخ، و به‌خصوص در تاریخ آسیای مرکزی و

غربی داشته‌اند. شناخت بهتر تاریخ ایران، پژوهندگان ژاپنی را قادر می‌سازد تا در موضوع‌هایی مانند مسائل سیاسی، اداری، نظامی، اقتصاد، تجارت، صنایع دستی و کشاورزی اطلاعات ارزنده‌ای فراهم آورند. می‌توانیم گرایش‌های کلی مطالعات ایران‌شناسی در ژاپن را از نظر زمانی، به سه دوره تقسیم کنیم:

### ۱- دهه ۱۳۱۰/۱۹۳۰ تا پایان جنگ جهانی دوم

مطالعات خاورمیانه‌ای در ژاپن، در این دهه آغاز شد؛ هرچند که بیشتر توجه به مناطق مسلمان‌نشین داخل چین و جنوب شرقی آسیا بوده است. پیشروی نظامی ژاپن در شمال غربی چین و جنوب شرقی آسیا یکی از مهم‌ترین عوامل انگیزه‌ای این مطالعات بود. «موسسه مطالعات اسلامی»، «موسسه شرق آسیا»، و «جمعیت ژاپن و اسلام» در این سال‌ها تأسیس شدند؛ هرچند که فعالیت این مؤسسات با ختم جنگ جهانی دوم خاتمه یافت.

### ۲- دهه ۱۳۳۰/۱۹۵۰ تا پایان دهه ۱۳۴۰/۱۹۶۰

در این دهه، عصر جدیدی در مطالعات خاورمیانه‌ای ژاپن آغاز شد. مطالعات محققان جوان به تدریج انتشار یافت. در همین ایام «مؤسسه اقتصاد آسیایی» تأسیس شد و نقش مهمی در پیشبرد این مطالعات ایفا کرد. هدف این مؤسسه تسهیل و تشویق همکاری‌های اقتصادی بین ژاپن و کشورهای آسیایی بود.

### ۳- دهه ۱۳۵۰/۱۹۷۰ تاکنون

با پیش آمدن بحران نفت در سال ۱۹۶۷، گرایش جدیدی در مطالعات خاورمیانه‌ای و ایرانی ژاپن شکل گرفت. محققان ژاپنی به مطالعات گروهی و تحقیق جمعی روی آوردند. نخستین پروژه گروهی آنها تحت عنوان «مطالعه در باب اسلام‌گرایی و تجدد در آسیا و آفریقا» آغاز شد. نتایج این مطالعات در اوایل دهه ۱۹۸۰ به صورت مجموعه گزارش انتشار یافت.

## ایران‌شناسی ژاپن‌یان

ایران‌شناسان سرزمین آفتاب که الگوی کار خود را پس از تجدد ژاپن (در نیمه دوم سده نوزده) از باخت‌زمینیان گرفتند، این پویش و پژوهش را «شرق‌شناسی» نامیدند، از دو انجمن پویای پژوهش‌های غرب آسیا و شمال آفریقا در ژاپن، که یکی قدیم‌تر و اصیل‌تر است «اورینتو گاکای» *Oriente Gakkai* انجمن خاورشناسی نام دارد و دیگری که نوپا و جویای نام و در پی جریان‌های روز است «چوتو گاکای» *Chuto Gakkai* انجمن خاورمیانه‌شناسی خوانده می‌شود.

مجمع تحقیقی دیگری که نام «انجمن ایران‌شناسی» دارد و حوزه پژوهش آن قلمرو پهناور تمدنی و فرهنگی ایران بزرگ است، که بیش از بیست سال پیش در هر بهار در یکی از دانشگاه‌های ژاپن برگزار می‌شود. از دیگر بنیادهای پژوهش‌های خاوری، موزه‌ها و کتابخانه‌های شرق‌شناسی است. در این میان، موزه مؤسسه مطالعات خاوری در شهر میتاکا *Mitaka* در ایالت توکیو از بنیادهایی است ویژه مطالعات خاوری، که نمایس فراوان نیز در موزه و گنجینه خود دارد، عمده آن از آثار میراث فرهنگی ایران. فعالیت این مؤسسه زیر نظر شاهزاده میکاسا *Mikasa* خاورشناس امپراتوری ژاپن است و استاد فقید نامیو *Namiyo Egami* تا هنگام مرگش در نوامبر ۲۰۰۲ ریاست آن را برعهده داشت. توپو بونکو *Toyo Bunko*، بخش منابع شرقی کتابخانه مجلس ژاپن، مخزن عمده کتاب‌های شرق‌شناسی در ژاپن، و به‌خصوص منابع کتاب‌های مطبوع چینی آن از مهم‌ترین گنجینه‌های جهانی است. این کتابخانه مجموعه قابل‌اعتنایی هم از کتاب‌های فارسی و عربی و

ترکی (عثمانی) دارد. شماری از کتابخانه‌های ژاپن مجموعه‌ای از کتاب‌های خطی فارسی نیز در گنجینه خود دارند و در این میان منابع کتب خطی فارسی کتابخانه دانشگاه مطالعات خارجی کیوتو قابل توجه است.

### گرایش‌های مطالعات ایرانی در ژاپن

- ۱- نخستین گرایش مهمی که در این زمینه مشهود بوده، انتقال از حوزه مطالعه درباره آیین بودا به مطالعه درباره ایران است. بررسی اوستا یکی از کارهای آنان بوده؛ هرچند که این گروه از محققان، از جنبه زبان‌شناسانه به آن پرداخته‌اند که این روش متأثر از مطالعات ایرانی در اروپا بوده است.
- ۲- گرایش دیگر ناشی از سنت مطالعه در تاریخ چین و نواحی هم‌جوار آن است، که حوزه اصلی مطالعه در تاریخ شرق را تشکیل می‌داد. این گرایش عمدتاً بعد از اصلاحات امپراتور می‌جی (۱۸۶۸)، یعنی زمانی که چارچوب آموزش جدید در مطالعه تاریخی شکل گرفت، آغاز شد. این امر باعث توجه و علاقه برخی از محققان به مطالعه در تاریخ ایران شد. در چنین حال و هوایی بود که مطالعه درباره خاندان ایلخانان به صورت حوزه اصلی مطالعه در تاریخ ایران درآمد.
- ۳- در این گرایش، نگاه ویژه به ایران عصر جدید، و خصوصاً انقلاب مشروطه (۱۹۱۱-۱۹۰۵) بوده است. معطوف شدن به این حوزه ناشی از آن بود که در ژاپن به منابعی، ولو محدود در این زمینه، دسترسی داشته باشند. در ژاپن برخلاف اروپا، تحقیق درباره اوضاع جدید ایران به لحاظ در دسترس بودن منابع مربوط به آن، بیشتر از دوره‌های دیگر ممکن بوده است. انقلاب اسلامی توانست توجه بسیاری از ژاپنی‌ها را به خود جلب کند؛ در نتیجه تحقیقات قابل توجهی در زمینه‌های مختلف مطالعات ایرانی انجام داده‌اند.

### مسافران فرهنگی

نخستین نمایندگان جامعه علمی و دانشگاهی ژاپن، در سال ۱۳۱۰ خورشیدی و از دهه ۱۹۳۰ برای ادامه تحصیل یا تحقیق به ایران آمدند؛ این پژوهش‌ها در دهه ۱۹۶۰ (۱۳۴۰) به اوج رسید. برنامه‌های پژوهشی - گروهی، به‌ویژه در زمینه باستان‌شناسی به اجرا درآمده و رشته زبان فارسی و ایران‌شناسی در دانشگاه اوزاکا، گشایش یافته بود.

از جمله این محققان، آشی کاگا نخستین دانشمند ژاپنی بود که به ایران آمد. او زبان پهلوی را نزد رضازاده شفق آموخت و همه کتاب‌ها و مقالات خود را به ژاپنی نوشت، که از جمله کتاب‌های او می‌توان به آیین‌های ایران باستان و تاریخ شاهنشاهی ایران اشاره کرد.

می‌توان از محققان دیگری مانند اوئنو، کاتسوفوجی (مؤسس انجمن ایران‌شناسی ژاپن در اوایل دهه ۱۹۸۰) و خانم اوکادا نام برد.

### حوزه‌های پژوهشی ژاپنی‌ها در ایران

باستان‌شناسی و هنر:

بعد از جنگ جهانی دوم، باستان‌شناسان ژاپنی، به تحقیق در خاورمیانه و ایران پرداختند. کاوش‌های باستان‌شناسی ژاپنی‌ها برخلاف رویه کار اروپا و آمریکای شمالی، از سوی دانشگاه‌ها حمایت می‌شد، نه از طرف

موزه‌ها. برای نخستین بار، در سال ۱۹۵۵، یک گروه ژاپنی به بررسی و حفاری در ایران پرداخت که تا سال ۱۹۷۹ و هنگام جنگ ایران و عراق فعالیت خود را متوقف کردند. مأموریت باستان‌شناسی طی این سال‌ها دو هدف عمده داشت:

۱. خاستگاه بررسی، خاستگاه کشاورزی روستاهای ایران و بین‌النهرین؛ در واقع شماری از باستان‌شناسان بر این گمان بودند که این مناطق بر تمدن کشاورزی آسیای شرقی اثر بسیار داشته است.

۲. کشف مناسبات فرهنگی از طریق جاده ابریشم؛ جاده‌ای که مسیرهای بازرگانی آن آسیا را به اروپا و در نهایت ژاپن را به ایتالیا متصل می‌کرد.

در تاریخ هنر، از قدیم گرایشی به مطالعه سفالینه‌های ایران و به‌عبارت دقیق‌تر، مطالعه تطبیقی سفالینه‌های ایرانی و چینی وجود داشته است. یکی از شاخص‌ترین آثاری که در این زمینه انتشار یافته، «طرح‌ها و تزئینات چینی در سفالینه‌های ایرانی» است.

کارهای هنر ایران در ژاپن، به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- فرآورده‌های کار دست و در واقع صنایع دستی که در قرون وسطا به ژاپن آورده شد.

۲- ساخته‌هایی از قرن ۱۹ تاکنون که در بازارهای هنری خریداری شده است.

اهمیت گروه اول، به‌لحاظ تاریخی است، زیرا این اشیاء عمدتاً از طریق تجارت با چین و کشورهای باختری به ژاپن آورده شده است.

### مؤسسات تحقیقاتی و دانشگاهی

مطالعات ایران‌شناسی در رشته ادبیات و علوم انسانی، عمدتاً در دانشگاه مطالعات خارجی توکیو و دانشگاه مطالعات خارجی اوزاکا آغاز شد. تحقیقاتی که در این دانشگاه‌ها انجام می‌شد، بیشتر وجهه زبان‌شناسانه داشت. در ژاپن، مطالعات ایرانی در ذیل انجمن‌های مطالعات خاورمیانه قرار دارند. به‌طور کلی، اکثر این انجمن‌ها به مطالعات شرقی، همچون تاریخ باستانی منطقه بین‌النهرین و یا مطالعات چینی مشغول‌اند. یکی از بزرگ‌ترین این انجمن‌ها، انجمن ژاپنی مطالعات شرقی است که در سال ۱۹۵۶ تأسیس شده است. حکومت ژاپن در خصوص مؤسسات تحقیقاتی، توجه بیشتری نشان داده است؛ مثلاً پشتیبان اصلی «مؤسسه اقتصاد خاورمیانه‌ای» است که بعد از بحران نفت تأسیس شده بود و همان اداره برنامه‌ریزی اقتصادی دولت ژاپن است. چنین جریانی به‌خوبی نشان از انگیزه اقتصادی دولت ژاپن در پشت این حمایت‌ها می‌دهد. اما دولت ژاپن به‌خوبی می‌دانست که لازم است علاوه بر تحکیم پیوندهای سیاسی و اقتصادی، به توسعه مبادلات فرهنگی نیز توجه کند. در سال ۱۹۷۸ حکومت ژاپن چند هیئت فرهنگی به خاورمیانه اعزام کرد که یکی از آنها، راهی ایران شد. از آن پس موزه قوم‌شناسی ژاپن، که مدیر آن از اعضای همین هیئت فرهنگی اعزامی به ایران بود، به تشویق مطالعات خاورمیانه‌ای برخاست. در سال ۱۹۸۰ یک طرح تحقیقاتی گروهی، با عنوان «بررسی ویژه در باب خاورمیانه و اسلام» زیر نظر موزه ملی قوم‌شناسی تدوین و اجرا شد. بخش ایرانی این طرح، عمدتاً به تشیع و انقلاب اسلامی ایران پرداخته است.

### پژوهش‌های مربوط به حوزه تاریخ ایران

پژوهش‌های مربوط به حوزه تاریخی ایران را براساس زمان، می‌توان به تاریخ باستان و تاریخ قرون میانه و تاریخ جدید و معاصر تقسیم‌بندی کرد.

در حوزه تاریخ باستان، یکی از پژوهش‌های مهم کتاب *از تخت جمشید تا آسوکای آقای سهایچی* ماتسوموتو، داستان‌نویس ژاپنی است که وی و پرفسور گی کیوای تو، هر دو به نظریه‌ای معتقدند که احتمالاً تعدادی از زرتشتیان ایران در دوره آسوکا به ژاپن آمده بوده‌اند. این دو، نظریه خود را بر این مبتنی کرده‌اند که در برخی آثار و بناهای تاریخی ژاپن، مانند «پرده تاشوی تاریخی» که در موزه مشهور «شوسواین» در نارا نگهداری می‌شود، عناصر و حروف و علائم فارسی به چشم می‌خورد. هرچند که آقای هیسائه ناکانی شی معتقد است این را می‌توان تنها به پای شباهت فرهنگی گذاشت و نمی‌تواند چیزی را اثبات کند.

علاوه بر آن، تحت تأثیر رهیافت ایران‌شناسانه اروپایی، پرفسور گی کیوای تو و پرفسور آتسو اوجی آشیکاگا درباره دیانت زرتشتی تحقیقاتی کرده‌اند. مطالعات و تحقیقات ایشان درباره اوستا، عمدتاً بر بررسی متون مقدس بودایی مبتنی بوده است.

اما تحقیقات مربوط به تاریخ قرون میانه، بیشتر در تاریخ ایران رنگ‌وبوی مطالعه در تاریخ مغول را دارد. پرفسور مینورو هندا که از طلایه‌داران و پیشگامان مطالعه تاریخ ایران در ژاپن است و پرفسور هیروتوشی شیمو، هر دو به حکومت ایلخانان، به خصوص غازان خان توجه داشته‌اند. شیمو معتقد است که غازان خان را باید مؤسس یک سلسله جدید دانست، نه صرفاً مدعی قدرت ایلخانی. محقق دیگری به نام پرفسور کوزو ایتانی، در مقاله خود با عنوان «ایلخان و روم» به رابطه بین سلطان نشین سلجوقی روم و اقتدار سلطان ایلخانی پرداخته است. در مورد تاریخ صفویان نیز پرفسور ماساشی هاندا به تحقیق و پژوهش در این‌باره پرداخته است.

اما دوره بعدی، پژوهش‌های ژاپنی‌ها مربوط به تاریخ معاصر ایران است که آن را می‌توان مهم‌ترین زمینه مطالعات محققان ایران‌شناس ژاپن دانست. در این دوره، موضوع مورد علاقه آنها، انقلاب مشروطه بوده که آن را آغاز ایران نوین می‌دانند.

در تاریخ سیاسی و دینی ایران پرفسور هیروتوشی کاگایا به تحقیق پرداخته است. نخستین اثر جامعی که از او درباره ایران منتشر شده در سال ۱۹۷۵، *تاریخ ایران* جدید نام دارد.

در زمینه تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران، پرفسور شوکواو کازاکی، سهم قابل ملاحظه‌ای در توضیح و تبیین اوضاع اقتصادی ایران در اواخر قرن نوزدهم داشته است. یکی از آثار برجسته او در این زمینه، مقاله‌ای با عنوان «قحطی بزرگ سال‌های ۱۸۷۰ و ۱۸۷۱» به زبان انگلیسی است.

بررسی‌های شهری در مطالعات ایران‌شناسی در ژاپن زمینه‌ای کاملاً جدید است که تاکنون بیشتر به دو شهر اصفهان و تهران پرداخته شده است.

### ادبیات

محققان ژاپنی که امروزه به مطالعه درباره ادبیات ایران مشغول‌اند، در ابتدا، تنها به ترجمه آثار عمده‌ای از ادبیات کهن فارسی علاقه داشته‌اند. در این حوزه نیز، ایران‌شناسان ژاپنی بسیار پرکار بوده‌اند و به ترجمه و تحقیق ادبی آثار بزرگان ایران پرداخته‌اند. افسانه‌ها و سرگذشت بزرگان ایرانی به چند دلیل، مورد توجه ژاپنی‌ها بوده و برای



آنها جذاب بوده است؛ از آن جمله سرشت و سرنوشت قهرمانان، تاریخ کهن و جلوه آن در آثار هنری، آنچه که در داستان‌های ملل دیگر هم‌سانی با تاریخ و فرهنگ ژاپن دارد و رویدادهای شگفت. شاهنامه فردوسی دربردارنده همه این عوامل بوده است؛ به همین دلیل شاهنامه فردوسی، که یکی از شخصیت‌های ادبی برجسته ایرانی است، در ژاپن بیش از یکصدوبیست سال قدمت دارد. ادب‌دوستان ژاپنی، فرجام غم‌انگیز سهراب در شاهنامه را با بهره‌ای از «هی‌کی مونوگاتاری» حماسه ملی خود برابر می‌کنند. از جمله افرادی که به ترجمه داستان‌های شاهنامه پرداخته‌اند، بونمی تسوجیا، آکی جیروءلوءما، شیگه روآراکی، ماساهارو هیگوچی، تسونه‌ئو کورویاناگی و امیکو اوکادا هستند.

سعدی، شاعر دیگری است که توجه ژاپنی‌ها را به خود جلب کرده و یکی از نخستین اشاره‌ها به سعدی در سفرنامه ماساهارو یوشیدا است. یوشیدا در سیزدهمین سال پادشاهی امپراتور میجی (۱۸۶۷-۱۹۱۲) که دوره او را سرآغاز عصر تجدد در ژاپن شناخته می‌شود، به دربار ناصرالدین شاه و از آنجا به دربار عثمانی می‌رود. او در سفرنامه‌اش می‌نویسد بسیاری از گویندگان و نویسندگان نامور در ایران برآمده‌اند، که یکی از اینان سعدی پراوازه است و ترجمه آثار او در اروپا خواستار و خواننده بسیار دارد. شیگه‌رو آراکی، چوئ‌کاکاتوئ، ریوئ‌تان توکوزاوا، کوواشی اچی یوشی تاکاسه، ایزوساوا و رئیچی گاموئ از سعدی پژوهان ژاپنی‌اند.

شاعر بزرگ دیگر، خیام است. رباعی‌های خیام بیشتر با روایت فیتز جرال و با تکیه و تأکیدی که در بازنویسی این ادیب انگلیسی بر «لحظه را دریافتن» و «زندگی را خوش گذراندن است»، برای ژاپنی‌ها شناخته شد. میان آثار ماندگار فارسی، رباعی‌های خیام بیشترین ترجمه‌ها را به ژاپنی دارد. آریاکه کامبارا و بون کیچی کاتانو از مترجمین رباعیات خیام به ژاپنی بوده‌اند.

نخستین بار ریچی گاموئ در مقاله‌ای، حافظ را معرفی می‌کند، و در سال ۱۹۷۶ استاد کورویانگی ترجمه‌ای از غزل‌های حافظ منتشر کرد. خسرو و شیرین (۱۹۷۷)، لیلی و مجنون (۱۹۸۱) و ویس و رامین (۱۹۶۲) از داستان‌های مشهور فارسی است که امیکو اوکادا ترجمه کرده است.

در میان مترجمان آثار کلاسیک در زمینه معارف اسلامی، عرفان و فلسفه، توشیهیکو ایزوتسو ترجمه‌های زیادی کرده که از جمله آنها «فیه ما فیه» مولانا و کتاب *مشاعر ملاصدرا* در سال (۱۹۷۸) است. ایزوتسو، به لحاظ روش‌شناسی خاصی که در فلسفه تطبیقی دارد، یکی از برجسته‌ترین محققان در این زمینه است. مقاله «بررسی تطبیقی مفاهیم فلسفی اساسی در تصوف و دائویسم» و «در طریق تدوین فلسفه ذن بودیسم» از جمله آثار اوست.

ادبیات معاصر ایران هم، علاقه‌مندان ژاپنی را به سوی خود کشانده است. از نخستین داستان‌های کوتاه فارسی که به ژاپنی درآمد، «خائن» نوشته بزرگ علوی است که توسط ایچیرو نوما در سال ۱۹۵۹ ترجمه شده است. درباره صادق هدایت نیز، پروفیسور کوسوکوناکامورا تحقیق و مطالعه کرده است. به عقیده او باورهای بودایی صادق هدایت و خصوصاً عقیده وی به تناسخ درگرایش‌های گیاهخوارانه او و مهربانی‌اش نسبت به فقرا و حیوانات بازتابیده است. داستان‌های جمالزاده ترجمه کیمی‌نوری ناکامورا و تعدادی دیگر از آثار ایرانی، همچون داستان‌های صادق چوبک و شهری چون بهشت از سیمین دانشور به‌دست مترجمان ژاپنی ترجمه شده است.

## ایران‌پژوهان ژاپن در ایران

پس از نهضت تجدد ژاپن در نیمه دوم سده بیستم که آغاز دگرگونی‌های عمده در احوال سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این کشور بود، هیئت‌های سفارت و گروه‌های تحقیق یکی پس از دیگری به شرق و غرب، و در آن سوی خاور بیش از هر جا به ایران، فرستاده شدند. یوشیدا و فوروکاوا که با نخستین هیئت سفارت ژاپن (سال‌های ۱۸۸۰-۱۸۸۱م) به ایران آمدند، سفرنامه‌هایی خواندنی و آگاه‌کننده از خود به یادگار گذاشته‌اند. هیئت دانشگاه توکیو به سرپرستی پرفسور آکی ما Akima، و سپس پرفسور شین‌جی فوکائی Shinji Fukai فعالیت باستان‌شناسی خود را در ایران و عراق دنبال کرد و هیئت دانشگاه کیوتو در حوزه تمدن قدیم بودایی در باستان و افغانستان به تحقیق پرداخت. هیئت دانشگاه هوکایدو به سرپرستی پرفسور هوندا پژوهش‌هایی در سال‌های ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۴ در ایران انجام داد.

در زمینه هنر ایران، از آثار منتشرشده پرفسور می‌کامی Mikami و پرفسور فوکائی فقید باید یاد کرد. فوکائی فهرست مصور ظروف سفالین ایران را در دو جلد منتشر ساخت و می‌کامی رساله‌های باارزش و مهم خود را درباره حجاری طاق بستان، فلزکاری و ظروف شیشه‌ای دوره‌های اشکانی و ساسانی انتشار داد. از دستگاه‌هایی که به ایران‌شناسی در ژاپن یاری داده، انجمن ژاپنی رشد علوم Society for Promotion of Sciences است که در سال ۱۹۳۲ بنیاد شد و از سال ۱۹۶۷ زیر نظر وزارت فرهنگ درآمد.

## زبان‌های ایرانی در ژاپن

ژاپنیان برای شناختن رمز و رازهای آن‌سوی خاور و نیز سرچشمه تمدن و مایه‌های فرهنگ خود، از یک سده پیش به آموختن زبان‌های ایرانی، و از آن میان سغدی و پهلوی، شوق نشان داده‌اند. کشف نوشته‌هایی به زبان‌های پهلوی و سغدی بر لوح چوبین عطربیز در موزه ملی توکیو و متعلق به معبد بودایی هوریوجی Horyu-ji نیز بازتابی گسترده در محافل خاورشناسی ژاپن و باختر زمین داشت. اهمیت این کشف، در بهار سال ۱۹۸۷، چنان بود که روزنامه معتبر یومیوری گزارشی مشروح درباره آن در صفحه اول شماره ۹ مه ۱۹۸۷ خود آورد، و نوشت: «خاورشناسان، عصر ساسانی را دوره اوج انتقال تمدن و فرهنگ ایرانی به ژاپن می‌دانند. نیز، پس از سقوط ساسانیان، خیلی از مردم و بزرگان ایرانی به آسیای مرکزی گریختند، و از این راه بسیاری از آداب و جلوه‌های تمدن و فرهنگ ایرانی به چین و از آنجا به ژاپن آمد؛ فرضیه‌ای هم درباره آمدن شماری از بزرگان و شاهدگان ساسانی به ژاپن پس از سقوط این شاهنشاهی وجود دارد. گویا نخستین نوشته فارسی که به ژاپن راه یافت چند شعر است که یک یا چند بازرگان ایرانی در بندر زیتون به درخواست راهبی که از ژاپن برای مطالعه آیین بودا راهی هند شده بود، بر کاغذ او نوشتند. زبان و شعر فارسی در سده‌های میانه در ژاپن و به‌ویژه در نواحی غرب این سرزمین رواج داشت.

## شناخت بهتر جامعه شیعه و مکتب تشیع در ایران

این طرح دو سال و نیمه، با حمایت مالی «انجمن ژاپن برای پیشرفت علم» از بنگاه‌های وابسته به وزارت فرهنگ ژاپن، در فاصله پاییز ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ و از سوی بخش ایران‌شناسی دانشگاه مطالعات خارجی اوزاکا به اجرا آمد و طی آن پنج سمینار به‌طور متناوب در اوزاکا و تهران برگزار شد. هدف این طرح پژوهشی و مجالس دوره‌ای آن، ایجاد تفاهم بیشتر و شناخت بهتر ایران‌پژوهان ژاپنی درباره ایران و جامعه، تمدن و فرهنگ آن بوده است.



## اسلام‌پژوهی ژاپنیان

گویا نخستین ژاپنی که پیش از دوره تجدد ژاپن به مطالعه اسلام و احوال پیامبر اسلام (ص) کوشید، هاگوسی آرائی بود. هرچند که تا دوره میجی، ژاپنیان آشنایی درست و دقیقی با اسلام نداشتند و منابع و مراجع آنها کتاب‌های آمیخته با تعصب مسیحیان اروپا بود. از نخستین آثاری که درباره پیامبر اسلام در ژاپن منتشر شد، «محمد(ص)، وجود نامرئی» نوشته کیتسونو کوچی‌مورا ۱۹۲۳ بود. در همان سال، کن ایچی ساکاموتو، زندگی‌نامه حضرت محمد (ص) را منتشر ساخت؛ او پیش‌تر، در سال ۱۹۲۰ ترجمه‌ای از قرآن مجید ارائه داده بود. نشر کتابی با عنوان «اسلام» اثر کامه سه‌گاوا، نخستین تلاش برای شرح و تبیین فراگیر اندیشه اسلام بود. پژوهش‌های اسلام‌شناسی در ژاپن در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ به اوج رسید. تا آنجا که بیش از ۱۶۰۰ کتاب و مقاله در این باره در پانزده ساله منتهی به پایان جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵) انتشار یافت. این حجم زیاد از آثار، باعث شکل‌گیری چندین مؤسسه پژوهشی - اسلامی شد؛ از جمله آنها «مؤسسه مطالعات اسلامی» و «اتحادیه بزرگ اسلامی ژاپن» در سال ۱۹۳۸ تأسیس یافت. همچنین در همین سال‌ها، مساجدی در ژاپن بنا شد؛ نخست در کوبه (۱۹۳۵)، سپس در ناگوی ۱۹۳۷، و سرانجام در توکیو ۱۹۳۸.

در نهایت می‌توان گفت مجموعه دستاوردهای ایران‌شناسی نشان می‌دهد که این علم فراتر از کنجکاوی‌های اولیه در حق زبان‌های خاموش و مفاخر درخاک‌خفته، شامل بررسی همه مظاهر تمدن ایران باستان و به موازات آن، تمدن عصر اسلامی است. با توجه به حوزه‌هایی که محققان ژاپنی درباره ایران پرداخته‌اند، تلاش‌های آنها در بخش باستان‌شناسی و ادبیات دارای اهمیت بیشتری بوده است.

## تحقیق و ترجمه آثار ادب فارسی معاصر

از چند دهه پیش توجهی به ادب معاصر فارسی در ژاپن شده است. نخستین کارها در این زمینه بیشتر به صورت پایان‌نامه تحصیلی بود. در رساله‌های فارغ‌التحصیلان زبان فارسی و ایران‌شناسی دانشگاه‌های ژاپن، عنوان‌های مربوط به احوال امروز ادب فارسی کم نیست، و به‌ویژه ترجمه داستان‌های کوتاه و نمایشنامه‌های نوشته‌شده در سده بیستم (پس از مشروطه) و بررسی و ترجمه شعر امروز.

از میان اهل قلم روزگار نزدیک به ما، صادق هدایت و جلال آل‌احمد پیش‌تر و بیشتر از دیگران در ژاپن مورد عنایت و استقبال بوده‌اند، و البته هدایت به مراتب فزون‌تر. از گیرایی‌های صادق هدایت برای ژاپنی‌ها یکی این است که زندگی، حال و هوای داستان‌ها و نیز فرجام کارش (خودکشی) او را تا اندازه بسیار همانند سرگذشت و آثار نویسنده معاصر خودشان اوسامو دازای درگذشته ۱۹۴۸ که به‌ویژه محبوب جوان‌هاست، می‌بینند. بازار آل‌احمد سال‌ها گرم بود. نیز پژوهندگان این دیار در کندوکاو دگرگونی‌های ایران و تأثیر اعتقاد مذهبی مردم در آن همچنان با نوشته‌های علی شریعتی مأنوس‌اند.

بخشی از بررسی در ادب معاصر فارسی، پژوهشی در زبان فارسی امروز بوده که بیشتر به صورت مقاله در مجالس خاورشناسی و ایران‌شناسی ارائه شده است.

تنظیم داستان‌هایی برگرفته از آثار معروف شعر و نثر قدیم یا نوشته‌های نویسندگان معاصر ایران برای نمایش، و به صحنه آوردن این داستان‌ها و نمایشنامه‌های فارسی از سوی دانشجویان رشته‌های ایران‌شناسی دانشگاه‌های مطالعات خارجی اوزاکا و توکیو در جشن فرهنگی این دانشگاه‌ها در پاییز هر سال، صورت دیگری است از ارائه

آثار ادب فارسی در ژاپن. در چند دهه گذشته داستان‌هایی از شاهنامه و دیگر آثار بزرگ ادب قدیم و نیز از نوشته‌های صادق هدایت و شماری دیگر از داستان‌نویسان معاصر در این جشنواره‌ها به نمایش درآمده است. در کنار آثار ادب فارسی، در این سال‌ها و به تأثیر دگرگونی‌ها و رویدادها در ایران، توجهی تازه به مراجع مکتوب دینی و کتاب‌های فقهی شده و چند عنوان از این نوشته‌ها به ژاپنی برگردانده شده است.

### یادگارهای فرهنگ ایران در ژاپن

در بسیاری از گنجینه‌های میراث فرهنگی ژاپن و مهم‌تر از همه در گنجینه سلطنتی ژاپن به نام شوسوئین Shosoin در شهر نارا پایتخت باستانی ژاپن، نفیس فراوان از ایران کهن به یادگار مانده؛ و این آثار گواه دادوستد تمدنی و فرهنگی و نیز روابط تاریخی ایران و ژاپن، و هم روشنگر گوشه‌های بسیار از تاریخ تمدن و فرهنگ ایران‌زمین است. برای نمونه، اهل تحقیق باور دارند که «بیوا» یا بربط ژاپنی، که نمونه آن در شوسوئین بازمانده، از ایران به ژاپن آمده است.

نفیس ایران به‌ظاهر از راه هند به ژاپن می‌آمد. در میان این ارمغان‌ها، قالی ظریف و خوش‌بافتی بود که تویوتومی هیده‌یوشی Toyotomi Hideyoshi، فرمانروای لشکری ژاپن، فرمان داد تا از آن برای جیمبائوری Jimbaori یا بالاپوش درست کردند. این بالاپوش زیبا و نفیس امروزه در گنجینه معبد کودای - جی نگاهداری می‌شود.

ژاپنی‌ها با شناختی که رفته‌رفته از ایران یافتند، اشاره‌هایی به ایران‌زمین در آثار ادبی خود داشتند. تصویر ایران برایشان در آغاز آمیخته با پندار و خیالبافی بود، اما کم‌کم با آگاهی‌های بیشتر که یافتند به حقیقت نزدیک شد، چنان‌که در داستان‌هایی که در اواخر سده نوزده و اوایل سده بیست نوشته شد، قهرمانان شناخته‌شده در ادب فارسی همچون شهرزاد و سهراب، چهره‌ای و جایی یافتند.

دانشگاه تنری Tenri، در ایالت نارا، و موزه آن، گنجینه‌ای سرشار از یادگارهای دانش و اندیشه و میراث فرهنگی دارد. ابزار برنزی از لرستان ایران از نفیس‌ترین ذخایر این گنجینه است. بسیاری از ساخته‌های زیبای سفالی قدیم ایران، به‌ویژه از گیلان و آذربایجان و لرستان و شوش و جنوب غرب ایران، به این مجموعه غنا می‌بخشد. بسیاری از معابد قدیم ژاپن، به‌خصوص در نارا و کیوتو، گنجینه‌دار یادگارهای ایران کهن‌اند.

موزه‌ها و مراکز تحقیقی ژاپن که مملو از آثار ایرانی است را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: **دسته اول**، موزه‌های ملی و محلی هستند که موزه ملی قوم‌شناسی در اوزاکا است که قالی‌های مدرن و سرامیک، از آثار ایرانی آن است. موزه ملی توکیو دارای سرامیک‌های باستانی و دوره اسلامی است. موزه ماتسودو دارای ظروف شیشه‌ای است که متعلق به ایران است و موزه هنری هیروشیما.

**دسته دوم** موزه‌هایی هستند که توسط اشخاص تأسیس شده؛ از جمله آثار آن می‌توان به ظروف سرامیکی و شیشه‌ای و قالی و گلیم ابریشمی و... اشاره کرد.

**دسته سوم** موزه‌های تخصصی هستند که تک‌موضوعی‌اند. موزه سرامیک ایالت آئیچی در سه‌تو، موزه شرقی باستان در توکیو که به جمع‌آوری سکه‌های دوره باستان و سفالینه‌ها پرداخته و موزه شرقی ایالت اوکایاما که مجموعه‌ای از کاشی‌ها و سکه و جواهر و مهر و مجموعه‌ای از کاشی‌های تخت سلیمان در آنجا نگهداری می‌شود.

دسته چهارم مجموعه‌های دانشگاهی اند که دانشگاه هیروشیما و تنری و موزه دانشگاه توکیو و دانشگاه تسوکوبا دارای آثار ایرانی در موزه‌های خود هستند.

### نتیجه‌گیری

به‌طور کلی عطف توجه اهل تحقیق و فرهنگ به ایران سابقه‌ای طولانی دارد. محققان مغرب‌زمین چندین قرن است که در مجموعه خویش، ایران‌شناسی را نیز مدنظر داشته‌اند. در مجموع مفهوم ایران‌شناسی که مراد از آن نگاه از بیرون به ایران، آن هم به مقتضای دانش و فن غربیان است، امروز به درجه‌ای رسیده که ایرانیان نه تنها استکفای در برابر این واژه و نتایج علمی آن ندارند بلکه خود نیز در این عرصه گام نهاده‌اند. در این میان موقعیت و حتی موفقیت ژاپنی‌ها نکته‌ای درخور توجه و گاه درخور تعجب و تحسین است. امروز در حالی که از رشد ایران‌شناسی ژاپنی‌ها سخن می‌گوییم، برای ایرانیان مقوله‌ای به نام ژاپن‌شناسی، رشد و پیشرفتی نشان نمی‌دهد؛ حتی می‌توان گفت نه تنها تحقیقات مربوط به ژاپن که مطالعات ساده درباره آن نیز توسعه‌ای درخور توجه ندارد.

بدون شک ژاپنی‌ها در میان ملل شرقی جای خاصی دارند؛ آنان پیشاپیش همه ملل شرق، صنعتی‌اند و در معادلات جهانی یکصد سال گذشته مشارکت داشته‌اند و اکنون نیز تنها کشور شرقی عضو گروه کشورهای صنعتی‌اند؛ اما با وجود نیاز دیگر جهان‌سومی‌ها به شناخت ژاپن، این بیشتر ژاپنی‌ها بوده‌اند که به شناخت دیگر ملل و فرهنگ‌ها از جمله ایران اقدام کرده‌اند، آنچنان که ایران‌شناسی ژاپنی‌ها اکنون خود مقامی خاص دارد. اما سابقه این مطالعات و به‌خصوص در رابطه با ایران، به مطالعات مغول‌شناسی آنان می‌رسد. زمینه‌های مشترک همکاری مطالعاتی ایران و ژاپن چه در مسیر زمینی راه ابریشم و چه در مسیر دریایی آن، بسیار قوی است. اما متأسفانه یا ژاپنی‌ها علاقه‌ای به انعکاس تحقیقات خود در ایران نداشته‌اند و یا محققان و مترجمان ایرانی در این خصوص کوتاهی کرده‌اند. با این همه، ایران‌شناسی در ژاپن دانشی جوان به‌شمار می‌آید و ایرانیان اکنون این فرصت را دارند که در شکل‌گیری علایق ژاپنی در این زمینه مؤثر واقع شوند. لازم است ایران به‌عنوان شاخص‌ترین کشور غرب آسیا از نظر سوابق تاریخی و تمدنی و غنای فرهنگی، جایگاه ویژه خود را در مقیاس منطقه‌ای و جهانی مدنظر قرار دهد؛ بدون شک مقدمه این مهم، توسعه و تعمیق شناخت متقابل است.

### منابع:

- ۱- ماساهارو، یوشیدا، *سفرنامه یوشیدا/ماساهارو*، ترجمه هاشم رجب‌زاده، نشر آستان قدس رضوی ۱۳۷۳
- ۲- رجب‌زاده، هاشم، *ایران‌شناسی در ژاپن*، به‌کوشش کینجی ئەاورا، نشر مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۹
- ۳- ماساهارو، یوشیدا، *گیلان در سفرنامه‌ها و پژوهش‌نامه‌های ژاپنی*، ترجمه هاشم رجب‌زاده، نشر فرهنگ ایلیا، ۱۳۹۲
- ۴- رجب‌زاده، هاشم، *جستارهای ژاپنی در قلمرو ایران‌شناسی*، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشاریزدی، ۱۳۸۶